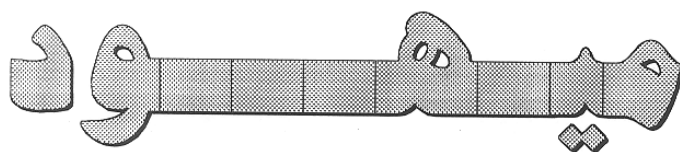




پیش‌نویس اولیه از

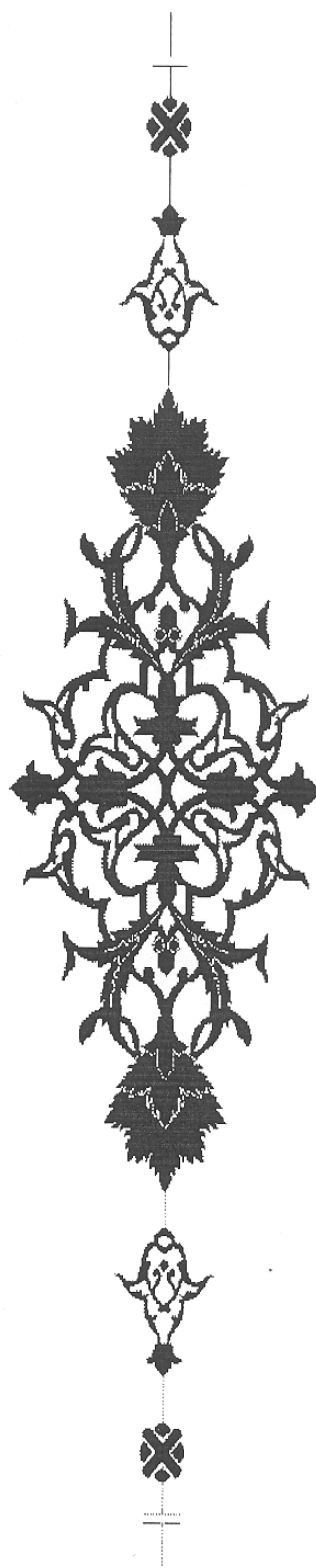
پیش‌بینی
ساختار سازمانی و مسیر دستیابی



طرح جامعی جهت مآخذشناسی منابع یهود

انستیتوی فرهنگی و اطلاع‌رسانی لوح و قلم
مدیریت پژوهش

فروردین ۱۳۸۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- دورنما..... ۴
- طبقه‌بندی انواع منابع ۷
- طبقه‌بندی روش‌های دستیابی به منابع..... ۹
- اولویت‌گذاری در روش‌ها و منابع ۱۱
- شیوه‌های پیش‌بینی سازمان میهود ۱۵
- تخصیص فعالیت‌ها به واحدها..... ۱۸
- معرفی مدل جارب اطلاعات (ISM) ۲۰
- ترسیم مراحل میهود بر شرایط موجود..... ۲۲

— دور نما:

حضرت ابراهیم دارای دو فرزند بود: اسماعیل و اسحاق. داستان تولد این دو فرزند را نیک می‌دانیم. از ازدواج حضرت ابراهیم با کنیزش هاجر به اصرار همسرش ساره گرفته تا تولد اسحاق و هجرت هاجر و اسماعیل به مکانی مقدس واقع در بیابانی که هیچ آب و دانه‌ای در آن یافت نمی‌شد. تا این جای داستان را همه شنیده‌ایم. اما آیا می‌دانیم که حضرت یعقوب فرزند اسحاق بود و رسول مکرم اسلام از نوادگان حضرت اسماعیل! یعقوب فرزند اسحاق را «اسرائیل» می‌نامیدند و دوازده فرزند او که حضرت یوسف و بنیامین نیز از آن‌ها به شمار می‌رفتند را از همین رو «بنی اسرائیل» گفته‌اند!

بنی اسرائیل دوازده فرقه شدند و این دوازده قبیله بود تا حضرت موسی بر آن‌ها وارد شد و شنیده‌ایم که با ایرادگیری‌ها و بهانه‌هایشان او را ناگزیر ساختند دوازده چشمه از کوه جاری سازد تا هر قبیله به تنهایی از آبی مجزا بهره برد!

از شگفتی‌های رفتاری این قوم بسیار شنیده‌ایم، اما آن‌چه این‌جا موضوع بحث ماست توجه به این نکته است که قوم یهود که همان فرزندان اسرائیل یعنی حضرت یعقوب می‌باشند تا پیش از ظهور اسلام تنها و تنها دینی بودند که از جانب پروردگار بر آن‌ها «شریعت» نازل شده بود. شریعت در تعریف بسیار مختصر «قوانین و آداب زندگی در دنیا است». بنی اسرائیل شریعت داشت!

این نکته نیز از نظر دور نیست که حتی پیامبر اولوالعزمی چون حضرت عیسی که بعدها مبعوث گردید نیز علی‌رغم این‌که دارای کتاب مقدس بود، لکن شریعتی دیگر نیاورد و قوانین زندگانی بنی اسرائیل را تغییر نداد. اساساً او موظف به چنین مطلبی نبود! مسیحیان در زندگی تابع قوانین شرعی یهود بودند!

بنابراین طبیعی است که گفته شود ظهور اسلام - که دارای شریعتی مستحکم و کاملاً مستقل از سایر ادیان است و به گونه‌ای منحصر به فرد طراحی گردیده - در تعارض آشکار با شریعت موسی قرار گیرد که علاوه بر تعارض با اصل شریعت او، با رفتار عملی بنی اسرائیلی که در همان شریعت آسمانی نیز تحریفاتی وارد نموده بود، کاملاً درگیر بود. این درگیری طبیعتاً برای آنان که لجاجتی نام در تبعیت از آئین منحرف خاخام‌های یهود پیدا کرده بودند، انگیزه‌ای می‌شد تا در برابر اسلام بایستند و زمانی با حمایت مشرکان مکه و در زمانی دیگر به طور مستقل و یا با تحریک سایر ممالک قدرتمند در صدد نابودی اسلام عزیز برآیند.

و امروز ما در جهانی تنفس می‌کنیم که هنوز تنها و تنها دو آداب و دو منش برای زندگی وجود دارد که مدّعی ارتباط با عالم بالا است. تنها دو شریعت وجود دارد که انسانی نیست و منشأ فرازمینی دارد. اگر چه آداب و رسوم‌های دیگری نیز در جهان یافت می‌شود، اما ادعای «دین» بودنشان بیشتر اومانستی است تا تئوئیستی! هر دین و مکتبی به جز اسلام و یهود و لو خود را مرتبط با جهان فراماده بداند، ولی مکتبی است که ساخته‌ی دست بشر است (اگر چه بعضی بپندارند شاید روزی اندک ارتباطی با دینی حقیقی داشته است)!

از میان این دو مکتب نام برده شده، شریعت قدیمی‌تر تحقیقاً به دلیل همین قدمت بیشتر و احتمالاً در ترکیب با دنیاپرستی‌ای که بعدها عارض آن شده، توانسته سازمانی هماهنگ در مدیریت اتباع خود پدید آورد و شبکه‌ای از یهودیان و بنی اسرائیل بسازد که به دور از تخالف‌ها و اختلاف سلیقه‌ها در صحنه‌ی امور خرد زندگی، بتوانند با یکدیگر همچون یک گروه بزرگ کار کنند و برای نزدیک‌تر کردن یهود به جهتی که در نظر گرفته‌اند همدسو و هم‌راستا و هماهنگ عمل نمایند. همین فرصت و تشکیل همین شبکه است که با نگاه دقیق به تاریخ اسلام، به راحتی می‌تواند بازگوکننده‌ی علت دشواری‌ها و موانع بزرگی باشد که در برابر مدیران الهی جامعه پدیدار شد و کار را بدانجا رسانید که تحقق مفهومی تحت عنوان «غیبت» در دستگاه الهی «ضرورت» نام و تمام پیدا کرد! بنابراین می‌توان - در یک کلام - وجود این تشکیلات سازمانی را مسبب شرایط دشواری دست نه امروز - ناشناس بودن معصوم (ع) در میان شیعه بروز یافته است!

هر تلاشی در راستای ارتقاء شناخت مسلمین از این سازمان پیچیده - که پیچیدگی، طبیعی عمر طولانی یک سیستم است - صورت پذیرد ممدوح است و گامی است در جهت آماده‌سازی فضای اعتقادی و رفتاری بشریت برای پذیرفتن شریعت حقه با حضور و الیان حقیقی!

روشن است که شناسایی یک سازمان بدون وجود یک روش ورود و خروج سیستماتیک و نظام‌مند کدنی عبس و بی‌فایده است و با رفتارهای پراکنده و غیر هم‌جهت که چیزی شبیه پریدن پرنده از این شاخه به آن شاخه بدون تلاش در جهت جمع‌آوری ترکه برای ساختن لانه است، به یقین نمی‌توان درک حقایق پیچیده موفق بود.

با توجه به این نکته است که در «پیش‌بینی ساختار» طرح میهود و «مسیر دستیابی» به آن لزوماً می‌بایست از مدل و الگویی مستحکم در تحقق پدیده‌ای به نام «شناخت» بهره‌برده گرفته شود تا در طول حرکت در مسیر تحقق عینی این طرح به جای «نقض» تئوری مرحله‌ی گذشته با ورود به هر مرحله‌ی جدید که طبیعتاً در نتیجه‌ی اعتقاد به «مدل تجربی کور» که همان آزمون و خطای بدون پشتوانه‌ی متدیک است واقع می‌شود، بتوان از «سیر اجمال» به «تفصیل» بهره‌برد، شیوه‌ای که در آن راهرو از پیش مطمئن است که با ورود به مراحل بعد نه تنها مرحله‌ی قبل نقض نشده و تثبیت می‌شود که در هر مرحله میزان دقت و تفصیل اطلاعات نخستین بیشتر می‌گردد. شیوه‌ای که در آن همه چیز ممکن است تغییر نماید، ولی جهت حفظ شده و مدام بهینه می‌گردد و در بهینه شدن نیز نقض نمی‌شود!

برای استفاده از این تکنیک، در پیش‌نویس نخست از پیش‌بینی ساختار طرح میهود، متد نویسی را به کار برده‌ایم که قدرت بالایی در پردازش مفاهیم دارد. البته بدون ورود به بحث‌های متدیک، ما در این طرح این مندر را تنها به کار گرفته‌ایم!

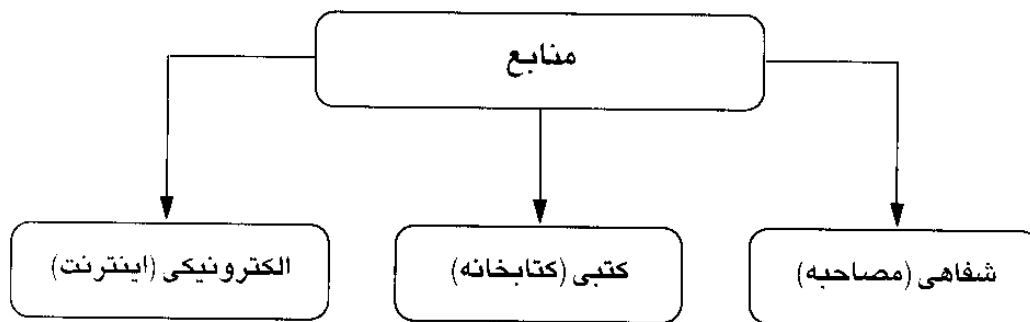
امید است این ناچیز مورد قبول حضرت ولی عصر (عج) قرار گیرد.

تحلیل اطلاعات سمیم

— طبقه‌بندی انواع منابع:

طرح می‌هود به هدف «مآخذشناسی» منابع یهود تأسیس شده است. موضوع کار این طرح «منابع» است. لذا پیش از هر بحثی باید تنوع منابع اطلاعاتی موجود را که می‌توان به عنوان یک منبع و مآخذ به آن نظر کرد و به سراغ آن برای شناسایی رفت بررسی نمود.

به نظر ما منابع اطلاعاتی را امروزه به سه دسته‌ی زیر می‌توان تقسیم نمود:



منظور از اطلاعات «شفاهی» اطلاعاتی است که در نزد اشخاص است و در سینه‌ی آنان جای گرفته‌اند، اطلاعاتی که در جایی مکتوب نشده و یا اگر هم شده در دسترس ما قرار نگرفته است. یهود از اقوامی است که دعبش در طول

تاریخ بر این بوده که اندیشه های خود را تا حد امکان در سینه ها نگاه دارد و مانع مکتوب شدن آن گردد. از همین روست که با نگاهی به تاریخ مشاهده می کنیم که تا قبل از ظهور اسلام، یهود اجازه ی کتابت حتی شریعت موسی را نمی داد و خاخام ها ناگزیر بودند این دانش ها را سینه به سینه منتقل نمایند. هیچ کس بر هیچ بخشی از آموزه های دینی واقف نمی شد، مگر آن که حضور یک مرشد را در کنار خود درک نماید!

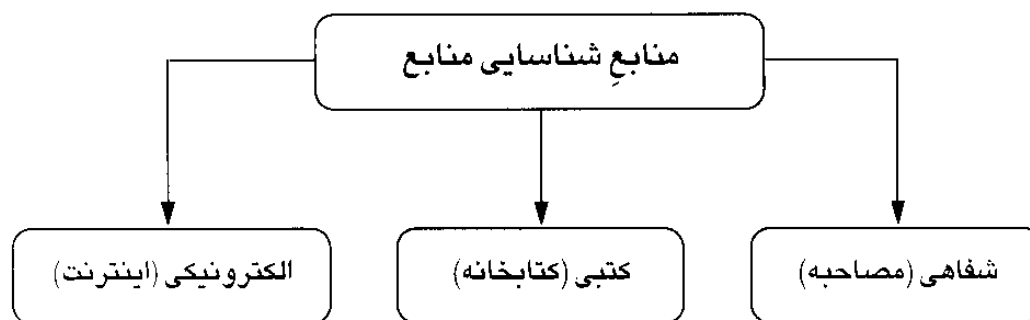
چه با توجه به این نکته و چه بدون توجه و ملاحظه ی آن، در هر صورت بخشی از اطلاعات به صورت شفاهی هستند و شناسایی منابع این اطلاعات، خود نوعی کار مأخذ شناسی است!

اطلاعات کتبی نیز روشن است به متونی گفته می شود که بر روی هر چیزی که به نحوی شباهت ظاهری به کاغذ باشد نگاشته شود، ولو که در جایی رسم نباشد بر روی کاغذ بنویسند و از کتف آهو استفاده کنند! شناسایی این گونه منابع که بیشتر کتاب و بعضاً نشریه و مقاله هستند نیز مستقلاً نوعی منبع به شمار می روند و قابل طبقه بندی در یک دسته می باشند.

منابع الکترونیکی نیز اسنادی هستند گویای اطلاعاتی که به صورت رقمی - یعنی صفرو یک - ذخیره شده اند. این اطلاعات در موضوع مورد بحث ما بیشتر قابل تطبیق به اینترنت است. اگر چه دیسکت و دیسک فشرده و سایر ابزارهای انتقال دیتا را نیز شامل می شود. همه ی این ها را با هم منابع الکترونیکی می نامیم.

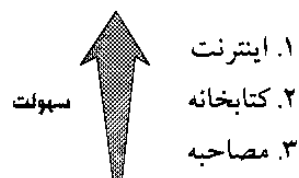
— طبقه‌بندی روش‌های دستیابی به منابع:

میهود مآخذشناسی یهود است. یافتن منابع یهود وظیفه‌ی این طرح است. یافتن منبع نیز خود به نحوی می‌توان گفته که به منبع احتیاج دارد، چراکه خود نیز یک کار پژوهشی میدانی یا کتابخانه‌ای است و بُعد نظری چندانی ندارد. از این رو چرا نتوان «منابع منابع» را نیز مانند خود منابع به سه دسته تقسیم کرد؟!



در نمودار فوق ملاحظه می‌نمایید که روش‌های رسیدن به شناخت یک منبع را نیز می‌توان به سه دسته‌ی شفاهی، کتبی و الکترونیکی تقسیم کرد. این تقسیم - به گونه‌ای - ناظر بر ابزارهای شناخت منبع است. بنابراین عنوان «مصاحبه، کتابخانه و اینترنت» برای این تقسیم‌بندی - در مانحن فیه - گویاتر است!

از نظر «سهولت» دسترسی از میان این سه روش شناخت می‌توان ترتیب زیر را ارایه کرد:



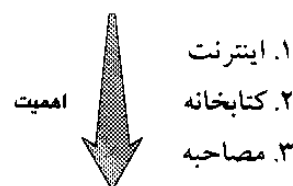
به عبارت دیگر، یافتن کتابخانه‌ی مناسب و رفتن به آن محل و استفاده از کتاب‌ها و یا در فرضی دیگر، خرید کتاب و ایجاد فضای کتابخانه در محیط خودمان، شاید بتوان گفت دو برابر از کاربری اینترنت دشوارتر است و هزینه‌های آن نیز - به تخمین - دو برابر است. طبیعتاً یافتن اشخاص مطلع و کارشناس و گرفتن وقت ملاقات - علی‌الغرض پذیرش مصاحبه - و پیاده کردن نوار و ویرایش و سایر امور مربوط به این کار، مصاحبه را دشوارتر از مراجعه به کتابخانه و استفاده از منابع کتبی می‌نماید. این نیز - به تخمین - دو برابر دشوارتر از مطالعه‌ی کتاب در کتابخانه باشد و با هزینه‌هایی دو برابر!

بنابراین ما ضریب‌های عددی‌ای برای این سه ابزار داریم که می‌تواند ما را به مدل کمی نزدیک سازد!

— اولویت‌گذاری در روش‌ها و منابع:

اکنون که ما سه نوع منبع را شناختیم و به سه روش برای دستیابی به منابع پی بردیم، می‌بایست «اهمیت» روش‌ها و منابع را با «سهولت» دسترسی به روش‌ها و منابع مقایسه نموده و اولویت‌های خود را مشخص کنیم. چراکه بودجه‌ی مالی و انسانی هرکاری محدود است و ضرورت دارد که تلاش شود این بودجه و امکانات به نحو بهینه و به بهترین وجه به فعالیت‌ها تخصیص داده شود. اینجاست که نیازمند یک «الگوی تخصیص» می‌باشیم و این الگو را باید خود براساس اولویت‌های حقیقی فعالیت‌هایمان بسازیم!

اگر دوباره به ترتیبی که در سهولت روش‌های شناخت آرایه کردیم نظری افکنیم، متوجه مطلبی جدید خواهیم شد؛ ترتیب «اهمیت» روش‌ها دقیقاً بالعکس سهولت دسترسی به آن‌هاست! دقت و صحت اطلاعات در روش شفاهی پی‌تردید افزون از روش مکتوب است که در کتابت کذب بیشتر رخ می‌دهد و در اینترنت بیش از هر دو به کذب پرداخته می‌شود! تصور کنید اطلاعات شفاهی از یک یهودی سرشناس در اختیار داشته باشید، کسی که عضوی از سازمان است (۱) این اطلاعات چقدر با اهمیت است؟!



این ترتیب‌گذاری تنها مربوط به روش‌ها نمی‌گردد! همین ترتیب اهمیت در اصل تفسیم منابع نیز وارد

می‌گردد. لذا واضح است که شناسایی منبعی از نوع شفاهی از طریق روش شفاهی دارای اهمیت بیشتری است تا شناسایی همان منبع از طریق اینترنت! بالعکس سهولت این یکی از اولی بیشتر است!

روش ما در اولویت‌گذاری روش‌ها و منابع استفاده از عمل ساده‌ی ضرب است. در جدول زیر شما این عملگر را می‌بینید که اولویت هر شناختی را با توجه به هر منبع نشان داده است. این جدول دارای ۹ خانه است، زیرا ما سه نوع منبع با اهمیت‌های متفاوت داریم که هر کدام به سه روش قابل شناسایی هستند که روش‌ها نیز به نوبه‌ی خود اهمیت متفاوت از یکدیگر دارند.

نوع منبع / روش دستیابی	شفاهی	کتبی	الکترونیکی
شفاهی	شفاهی شفاهی 4×4 (۱۶)	شفاهی کتبی 2×4 (۸)	شفاهی الکترونیکی 1×4 (۴)
کتبی	کتبی شفاهی 4×2 (۸)	کتبی کتبی 2×2 (۴)	کتبی الکترونیکی 1×2 (۲)
الکترونیکی	الکترونیکی شفاهی 4×1 (۴)	الکترونیکی کتبی 2×1 (۲)	الکترونیکی الکترونیکی 1×1 (۱)

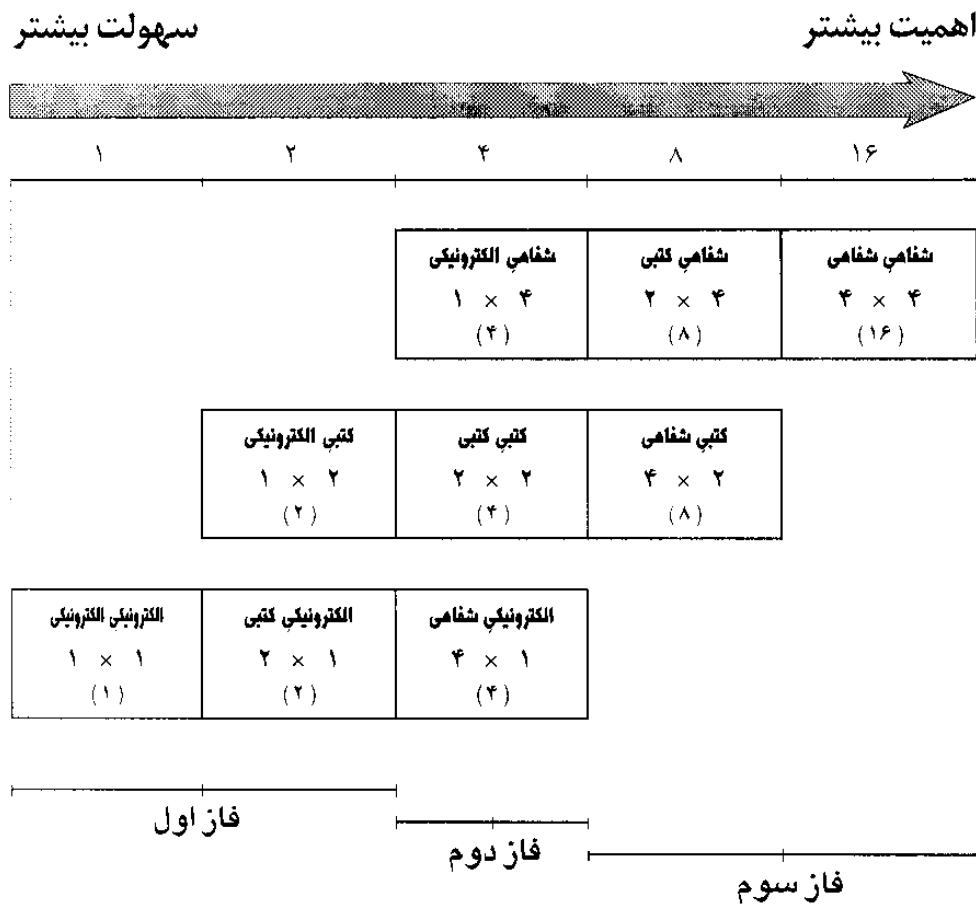
عدد قرار گرفته در پرانتز «ارزش کمی» هر خانه را مشخص می‌سازد. ضرائب ۱ و ۲ و ۴ نیز بیانگر میزان اهمیت هر عنصر «نسبت» به عنصر دیگر است. بنابراین با این ضرائب ما می‌توانیم نسبت ترکیبی روش‌ها و منابع را با یکدیگر ملاحظه کنیم.

تعدادی از خانه‌ها دارای ضرائب اهمیت یکسانی هستند، این خانه‌ها از نظر ارزشی با یکدیگر برابر می‌باشند و - با تخمین - از نظر هزینه‌ای و وقتی و فشار کاری و میزان اهمیت تقریباً یکسان هستند.

در این جدول، هر چه به راست و بالا حرکت کنید بر «اهمیت» ترکیب «روش-منبع» افزوده شده و بالعکس هر چه به چپ و پایین بیایید، بر «سهولت» کار افزوده می‌گردد.

ما که هدف‌مان دسته‌بندی موضوعات بود تا بتوانیم فعالیت پژوهشی خود را فازبندی نماییم، فلشی را به سمت چپ و پایین رسم می‌کنیم تا بیانگر نقطه‌ی شروع حرکت ما باشد. با این روش فعالیت‌های آسان‌تر را در ابتدای کار قرار می‌دهیم!

نمودار زیر به خوبی نشان می‌دهد که بر چه اساسی این ۹ شناخت را دسته‌بندی و مرحله‌بندی کرده‌ایم:



ملاحظه می‌کنید که در هر فاز از فعالیت پژوهشی طرح می‌هود، سه مرحله در نظر گرفته‌ایم و فاز نخست را معطوف به ساده‌ترین فعالیت‌های مآخذشناسانه، چه از نظر روشی و چه از نظر منبع، قرار داده‌ایم. در نخستین

مرحله از نخستین فاز پژوهش، شما عنوان «الکترونیکی الکترونیکی» را مشاهده می‌کنید. این عنوان دال بر جستجوهای است که بر روی اینترنت انجام می‌شود تا منابع موجود بر روی اینترنت را معرفی کند! در این فعالیت ما تنها به دنبال منابعی هستیم که به صورت الکترونیکی باشند و مثلاً وجود کتابخانه‌ای در اسپانیا که کتاب‌هایی در معرفی یهود دارد دلیل نمی‌شود که آن کتاب‌ها را مأخذشناسی نماییم!

— شیوه‌های پیش‌بینی سازمان می‌هود:

اکنون در ادامه‌ی کار و برای اجرای مراحل فازبندی شده و اولویت‌گذاری شده، باید بتوانیم شمای کلی و چارت اجمالی و مختصر سازمانی را که متولی اجرای این پروژه است طراحی کنیم. ولی هنگامی که می‌خواهیم ساختار سازمانی می‌هود را طراحی کنیم با یک پرسش بسیار مهم مواجه می‌شویم و بدون پاسخ آن نمی‌توانیم این کار را به اتمام رسانیم. پرسش این است که:

— آیا پژوهش در محصولات این مآخذشناسی به صورت هم‌زمان با فعالیت مآخذشناسی انجام خواهد شد و یا دوستان صبر می‌کنند پس از اتمام پروژه‌ی مآخذشناسی، کار پژوهش را می‌آغازند؟

برای پاسخ به این پرسش باید توجه به محاسن و معایب هر کدام از این راه‌ها داشته باشیم. هم‌زمانی این دو فعالیت روشن است که دقت پژوهش را می‌کاهد، چراکه مطالعات بر روی منابعی قفل شده و بسته می‌شود و محصول پژوهشی ارایه می‌گردد که هنوز ممکن است در مراحل بعدی می‌هود منابعی قوی‌تر و مستندتر یافت شود که چه بسا صحت منابع نخستین را مخدوش سازد، خصوصاً با روشی که می‌هود در پیش گرفته و از «سهولت» آغاز کرده است نه از «اهمیت» و صحت! لذا با جلورفتن «صحت» بالا می‌رود و چه بسا حجم عظیمی از مطالعات بیهودگی و لغویت‌شان هویدا شود! اما موکول نمودن پژوهش به پایان می‌هود به نحوی از تنجز انداخت پژوهش و معلق کردن آن به پروژه‌ای است

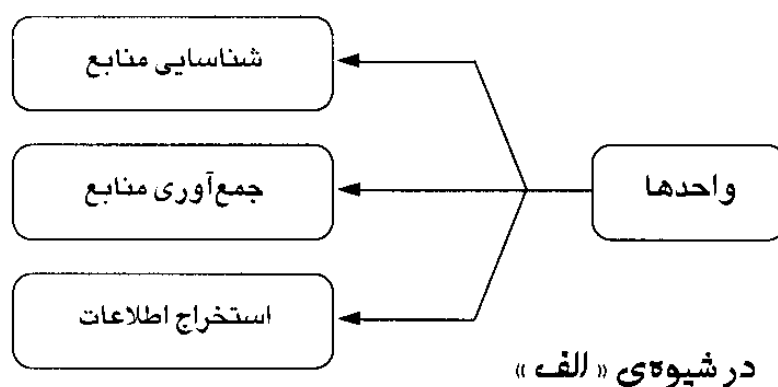
که پایانش روشن نیست و هیچ کس زمانی برای به نهایت رسیدنش - فعلاً - تعیین نکرده است. سفارشات نیز متعدّد است و نمی‌توان کارفرماها را سرخرمن وعده کرد!

در هر دو صورت، معایب و محاسن با هم ساقط می‌شوند و تصمیم ارتباط مستقیم با بودجه‌ی دریافتی و نظیر کارفرما و تصمیم مسئولین دارد! از این رو ما باقی داستان را دو سویه می‌نویسیم. گویان که دو سازمان طراحی می‌کنیم که با هر کدام از این تصمیم‌ها سازمان متناسب قابل تأسیس باشد!

لذا دو شیوه برای ادامه کار تعریف می‌کنیم:

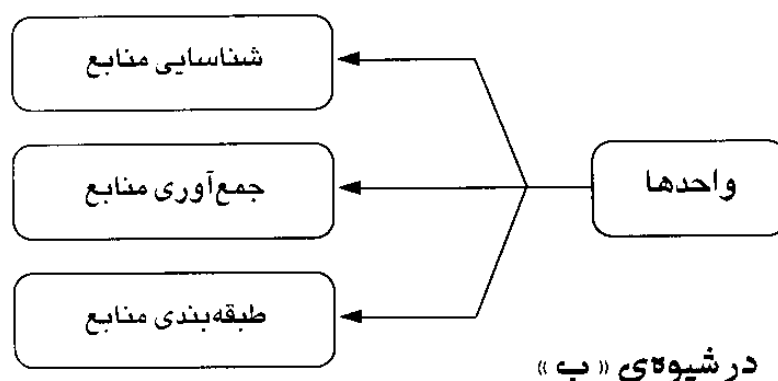
۱. شیوه‌ی «الف»: مأخذشناسی و استخراج اطلاعات هم‌زمان صورت می‌گیرد.
۲. شیوه‌ی «ب»: اطلاعات در زمانی دیگر و در پروژه‌ای دیگر استخراج می‌شود.

در حالتی که شیوه‌ی نخست را محور کار سازمان می‌هود قرار دهیم، ناگزیر از انجام سه فعالیت می‌باشیم که در نمودار زیر نمایش داده شده‌اند:



توضیح واضح‌تر است لذا مختصر می‌گوییم که در ابتدا، منبع یا مأخذ شناسایی می‌شود، واحدی که متوالی تهیه‌ی منابع است متناسب با نوع منبع آن را تهیه می‌کند و در یک جا جمع می‌کند. منابع الکترونیکی ذخیره می‌شوند، منابع کتبی، خریداری می‌شوند و در کتابخانه قرار می‌گیرند، منابع شفاهی در طی مصاحبه‌هایی ضبط می‌شوند. یعنی مصاحبه و این قبیل کارها نیز در واحد جمع‌آوری منابع انجام می‌گیرد. در نهایت نیز واحد دیگری

کار استخراج اطلاعات را انجام می‌دهد. اطلاعاتی که به صورت فیش درآمده و در بانک‌های اطلاعاتی ذخیره می‌گردد. فیش‌ها اطلاعات - تا حدی - پرونده‌ای هستند که آماده‌ی مصرف پژوهشگران می‌باشند. اما اگر شیوه‌ی آن دیگر را برگزیده باشیم، باید منابع را بعد از جمع‌آوری، خودمان طبقه‌بندی کنیم تا در زمان دیگری که محققین می‌خواهند به سراغ منبع بروند بتوانند به سهولت آن‌چه را می‌خواهند پیداکنند. در این حالت دیگر اطلاعات استخراج نمی‌شود، بلکه اصل منبع در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد. نظام زیر شکل می‌گیرد:



مشاهده کردید که تنها یک عنوان از میان سه عنوانی که برای واحدهای سازمانی می‌هود در نظر گرفته شده بود با تغییر پاسخ پرسش تغییر کرد. این تغییر عنوان در نمای اجمالی سازمان که ملحوظ نظر ما در این سطح از طراحی است، تغییر عمده‌ای پدید نمی‌آورد، لذا ما همین شیوه‌ی دوم را اساس قرار داده و طرح را تکمیل می‌کنیم. در مراحل بعد اگر ضرورت پیدا کرد به شیوه‌ی نخست نیز به تفصیل خواهیم پرداخت.

— تخصیص فعالیت‌ها به واحدها:

اکنون که سه واحد اصلی، یا به عبارت دیگر سه مدیریت برای سازمان میهود در نظر گرفته‌ایم، در نمایی اجمالی، به گونه‌ای که در شأن و در خور این نوشته - که به هدف اجمالی بودن نگاشته شده است - باشد فعالیت‌ها و وظایف هر کدام را نشان می‌دهیم.

ذیلاً توضیح مختصر هر کدام از مراحل فازهای سه گانه را با ملاحظه‌ی واحدهای مربوطه مشاهده می‌کنید:

فاز اول

۱. (۱×۱) شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی * منابع الکترونیکی شناسایی شده * از طریق مرور اینترنت
۲. (۲×۱) شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی * منابع کتبی شناسایی شده * از طریق مرور اینترنت
۳. (۱×۲) شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی * منابع الکترونیکی شناسایی شده * از طریق مطالعه در کتابخانه

فاز دوم

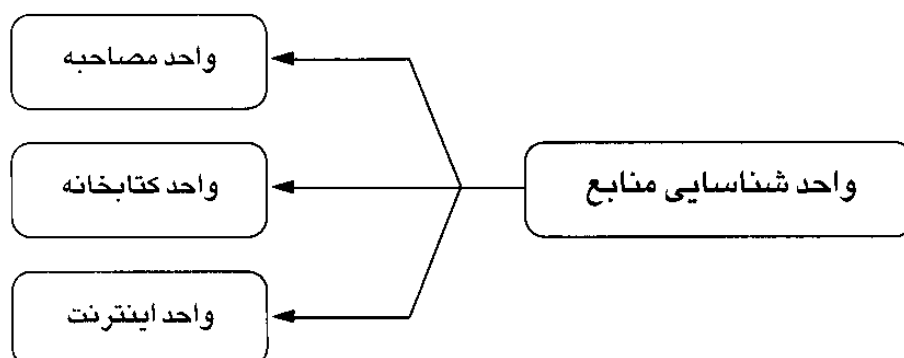
۴. (۴×۱) شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی * منابع شفاهی شناسایی شده * از طریق مرور اینترنت
۵. (۲×۱) شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی * منابع کتبی شناسایی شده * از طریق مطالعه در کتابخانه
۶. (۱×۴) شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی * منابع الکترونیکی شناسایی شده * از طریق مصاحبه با کارشناسان

فاز سوم

۷. شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی منابع شفاهی شناسایی شده * از طریق مطالعه در کتابخانه
۸. شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی منابع کتبی شناسایی شده * از طریق مصاحبه با کارشناسان
۹. شناسایی، جمع‌آوری و طبقه‌بندی منابع شفاهی شناسایی شده * از طریق مصاحبه با کارشناسان

همان‌گونه که می‌بینید در تمام ۹ فرآیند تعریف شده، رد پای هر سه واحد قابل مشاهده است! یعنی در حقیقت در هر کدام از فعالیت‌های ۹ گانه‌ی مآخذشناسی باید هر سه واحد فعال باشند.

در چنین حالتی ما می‌بایست تقسیم‌بندی درونی هر واحد را بر موضوع مطالعه یا ابزار شناخت متکی سازیم. به عنوان نمونه می‌توانیم واحد شناسایی منابع را به این زیربخش‌ها تقسیم کنیم:



که در این تقسیم‌بندی، ابزار شناخت معیار قرار گرفته است، که بهتر است چرا که ملموس‌تر است. ولی معیار قرار گرفتن موضوع - یعنی نوع منبع - تخصصی‌تر می‌کند کار را و کیفیت‌دارتر! این بستگی دارد به اولویت‌بندی در «اصل مآخذشناسی» یا «محصولات مؤخر از مآخذشناسی» که با تغییر اولویت بین این دو، آن تغییر در معیار واحد‌بندی لازم می‌آید.

— معرفی مدل جاروب اطلاعات (ISM):

حتماً متوجه شده‌اید که در این بخش نیز ما در حقیقت تقسیمات سه‌گانه‌ی واحدها را در ۹ فرآیند مآخذشناسی ضرب کرده‌ایم! اگر هم متوجه نشده‌اید به صفحات قبل بازگردید و مرحله‌بندی‌ها را مرور نمایید! می‌توانیم این ضرب را نیز در جدولی مشابه جدول زیر نمایش دهیم:

روش‌شناسایی			شفاهی			کتبی			الکترونیکی		
منبع			شفاهی			کتبی			الکترونیکی		
فعالیت			شفاهی			کتبی			الکترونیکی		
شناسایی											
جمع‌آوری											
طبقه‌بندی											

از ضرب ۳ در ۳ در ۳ عناوین کنار راست و بالایی جدول، ما ۲۷ عنوان ترکیبی خواهیم داشت. این ۲۷ عنوان تمامی حالاتی است که در سازمان می‌هود فرض رخ دادن دارد! یعنی ما تمامی حالا را جمع کرده و پیش‌بینی کرده‌ایم. البته ما این ۲۷ خانه را پر نکرده‌ایم که این به دلیل محدودیت زمان بوده است. ولی شما می‌توانید مانند آنچه که در جدول ۹ تایی انجام دادیم، این جدول را تکمیل نمایید.

به عنوان مثال نخستین خانه از نخستین ردیف جدول از سمت راست محتوی ترکیب «شناسایی شناهی شناهی» خواهد بود. معنای آن این است که واحد شناسایی باید از طریق مصاحبه به شناسایی منابع شناهی دست بزند تا در ردیف بعدی این اطلاعات شناسایی شده جمع‌آوری شده و در ردیف بعدتر (یعنی ردیف سوم) این اطلاعات طبقه‌بندی شود!

در این جدول نیز ضرائب فنی وجود دارد که اولویت‌گذاری و اهمیت فعالیت‌ها را نشان می‌دهد که ترسیم آن را به مراحل بعدی طرح واگذار می‌نماییم.

اما یک نکته جای طرح دارد؛ چرا ما مدام به جداول ماتریسی روی می‌آوریم و از عملکرد ضرب استفاده می‌کنیم؟! پاسخ این است که در یک فرآیند شناسایی و یا در حالتی خاص در یک پروژه‌ی مآخذشناسی، چند رویکرد متفاوت متناسب با اهداف پروژه و گستردگی آن وجود دارد؛ رویکردهای رایج متکی بر روش استقرایی صرف است که محققان در یک محدوده‌ی مشخص به صورت «بخشی» و «موضعی» به دنبال منابعی می‌گردند و آن‌چه را یافتند ارایه می‌کنند و آن‌چه را نیافتند اصلاً احساس نیاز به یافتن‌شان نمی‌کنند و ضروری نمی‌پندارند. در این حالت تخمین زده شده بسیار دور از واقع است، ولی در حد نیاز آنان کفایت می‌کند.

امازمانی که شما از مدل «جاروب اطلاعات»^۱ استفاده می‌کنید، بنا دارید که تمامی اطلاعات «قابل جمع‌آوری» را جمع کنید! اگر چه ممکن است این کار در یک دوره‌ی زمانی طولانی واقع شود، ولی از این جهت مطمئن هستید که یک منطقه را دوبار نخواهید گشت! یعنی در این مدل فرآیندی تعریف می‌شود که نتیجه‌اش بررسی تمام محدوده‌ی قابل دسترسی است و نقطه‌ای در این میان گم نخواهد شد (البته باز هم با تخمین، منتها با تخمین نزدیک‌تر به واقع).

۱. Information Sweeping Model

— ترسیم مراحل می‌هود بر شرایط موجود:

راه‌هایی که به انجام یک پروژه‌ی تحقیقاتی منجر می‌شود و در مقیاسی وسیع‌تر، هر پروژه‌ای، از موارد زیر خارج نیست:

۱. نیاز و سفارش بیرونی: در این شیوه که - به ظاهر - مرسوم‌ترین و شایع‌ترین روش تولید پروژه‌ها در جهان است، یک سازمان که خارج از محیط پژوهش ماست در روند فعالیت‌های خود احساس نیاز به تحقیقات خاصی می‌کند و به این دلیل که آن را در حوزه‌ی تخصص ما می‌بیند سفارش می‌دهد و هزینه‌ی پژوهش را پرداخت می‌نماید.

۲. نیاز و سفارش درونی: سازمان‌هایی که نیاز به توسعه‌ی سریع دارند و در موضوعات نادری فعالیت می‌نمایند، غالباً جهت توسعه‌ی خود یک بخش پژوهش درون سیستم خود دارند که این بخش به تنهایی و بدون سفارشی از خارج، نیازی را حس کرده و سفارش آن را تولید می‌کند و سپس خود نیز با بودجه‌ی خود پژوهش را شکل می‌دهد.

۳. نیاز درونی و سفارش بیرونی: و گاهی اتفاق می‌افتد که مجموعه‌ای نیازی را حس می‌کند که قادر به سفارش دادن آن نیست! به ناچار «نیاز به دست» راهی مؤسسه‌ای می‌شود که حدس می‌زند مشابه این نیاز را دارند ولی یا متوجه نیستند و یا انگیزه‌ی کافی ندارند. در صورت اول آن‌ها را متوجه ساخته و در حالت

دوم با ادبیاتی توفنده انگیزه‌ی ایشان را تحریک می‌نماید. در هر دو حالت آن مؤسسه را بر می‌انگیزاند تا سفارش‌دهنده‌ی پژوهش به ما باشد!

در دو روش نخست بحثی نیست. لاکن در روش سوم احساس نیازکننده ناگزیر است نیاز خود را به نیاز آن مؤسسات نزدیک سازد. ما این فعالیت را در طرح خود «ترسیم مراحل میهود بر شرایط موجود» نام نهاده‌ایم. از این سطر به بعد خُرد طرح‌هایی را نام می‌بریم که به نظر می‌رسد بتوانند نقطه‌ی اشتراک میهود با سفارش‌دهندگان موجود باشند.

۱. سایت‌های اینترنتی ضد یهود بر روی دیسک فشرده

فعالیت: مشابه این کار توسط مؤسسه‌ی امام خمینی (ره) برای سایت‌های فلسفی و سازمان نور برای سایت‌های اسلامی انجام شده است. تعدادی از سایت‌های ضد یهود شناسایی شده و اطلاعات آن‌ها ذخیره می‌گردد و بر روی سی‌دی ریخته می‌شود. این سی‌دی در سطح وسیع یا در سطح مؤسسات پژوهشی قابل توزیع است. به راحتی امکان به روز کردن و ارایه‌ی نگارش‌های بعدی آن خواهد بود. کاربر نیز می‌تواند با انتخاب اینترنت همان سایت‌ها را در وضعیت فعلی (به روز) مشاهده نماید.

فایده:

۱. این سی‌دی کاربر را ترغیب به استفاده از سایت‌های معرفی شده می‌کند.
۲. ضمن این‌که این سایت‌ها را نیز به او معرفی می‌نماید.
۳. سرعت استفاده از اطلاعات را برای محل‌هایی که اینترنت مناسب در دسترس نیست بالا می‌برد.

معادل: خانه‌ی «۱×۱» و «۱×۲»

۲. لینک به سایت‌های اینترنتی ضد یهود بر روی اینترنت

فعالیت: مشابه آن‌چه «جستجوگر شیعه»^۱ انجام داده است. یک دائرةالمعارف معرفی سایت‌های ضد یهود بر روی اینترنت راه‌اندازی می‌شود. مشابه همان سی‌دی که در فراز قبلی طرح شد، منتها نیازی به ذخیره‌سازی صفحات سایت‌ها نخواهد بود، تنها لینک آن سایت‌ها ارائه خواهد شد.

فایده:

۱. برای ناآشنایان با اینترنت محل رجوع خوبی است که به راحتی سایت مورد نظر خود را بیابند.
۲. برای محققین که فرصت جستجوی زیاد را ندارند این خوبی را دارد که این کار را کرده است.
۳. دسته‌بندی موضوعی‌ای که بر روی سایت‌ها انجام می‌شود، کاربر را از رجوع به بسیاری از سایت‌های غیر مرتبط با نیازش معاف می‌نماید.

معادل: خانه‌ی «۱×۱» و «۱×۲»

۳. بانک اطلاعات شخصیت‌های یهود

فعالیت: مشابه موارد گذشته منتها تنها اطلاعات معرفی شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخی و معاصر یهود که قابلیت سی‌دی و یا اینترنت و حتی چاپ کتابی را هم دارد.

فایده:

مانند موارد گذشته

معادل: (مآخذشناسی نیست، ولی به آن محتاج است)

۱. Shia Search

۴. بانک اطلاعات صهیونیسم مسیحی

فعالیت: همان قبلی که اطلاعات صهیونیسم مسیحی را داشته باشد.

فایده: مانند موارد گذشته

معادل: (مآخذشناسی نیست، ولی به آن محتاج است)

۵. نرم افزار بازی ضد یهود

فعالیت: طراحی یک بازی که براساس اطلاعات حقیقی یهود طراحی شده باشد و مراحل بازی بتواند به کاربر ماهیت یهود را هم در بُعد تاریخی و هم جهان معاصر بشناساند با یک کار تحقیقاتی قوی در پشت آن. می‌تواند هم به صورت سی دی و هم به صورت یک بازی اینترنتی قابل انجام باشد. در زبان‌های گوناگون.

فایده:

۱. آموزش اطلاعات ضد یهود به کاربر
۲. اثرگذاری بیشتر به جهت استفاده از تکنیک آموزش غیر مستقیم
۳. هدف قرار دادن قشر دارای سن کمتر که آتیه‌سازان انقلاب هستند.

معادل: (مآخذشناسی نیست، ولی به آن محتاج است)

و طرح‌های بسیاری از این قبیل که می‌توان نگاشت!

پایان این پیش‌نویس را در همین نقطه اعلام می‌کنیم و بحث‌های مفصل‌تر را به فرصتی دیگر موکول می‌نماییم. □



شماره: آ-بر-ج-۲

تاریخ: ۱۳۸۳/۱/۲۵

پوست: صلوات

به: برادر حقانی (زید عزّه)

از: سید مهدی موسوی موشح

موضوع: بررسی پیشنهاد جدید؛ آرایه‌ی اطلاعات مآخذشناسی کتب در دسترس بر روی دیسک فشرده

سلام علیکم

در پاسخ به پیشنهادی که هفته‌ی گذشته از سوی حاج آقا مطرح فرمودید، ذیلاً نظر خود را در قالب چند نکته خدمت شما آرایه می‌نمایم. امیدوارم بتوانم با نزدیک نمودن این پیشنهاد به طرح میهود، زمان آغاز عملیات اجرایی میهود را نزدیک‌تر ساخت.

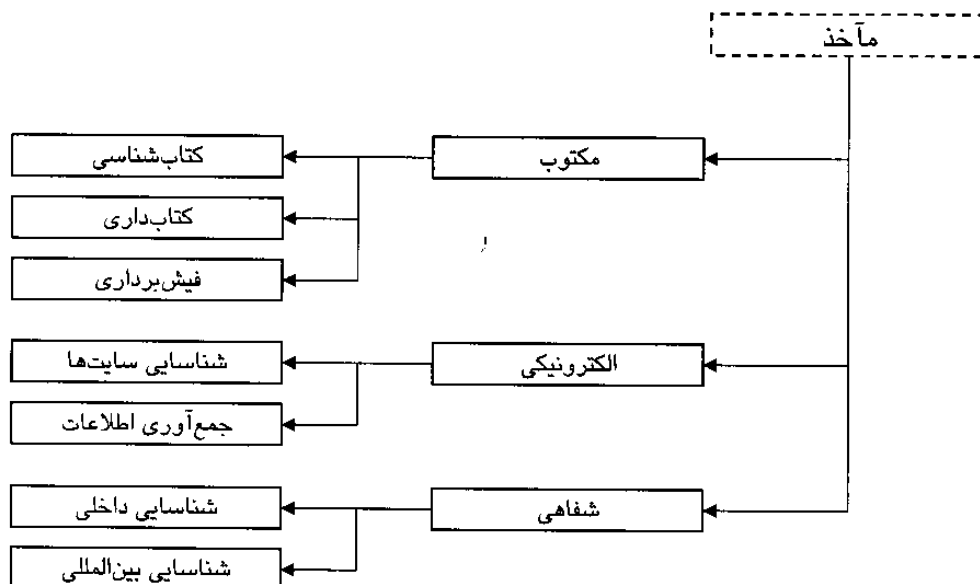
نکته‌ی نخست. حسب گفتگوهای صورت گرفته، این مطلب مورد اتفاق بوده است که طرح میهود از گستردگی بالایی برخوردار است که این ویژگی انجام آن را دفعتاً و در یک مرحله ناممکن می‌سازد. لزوم فازبندی طرح میهود از همین رو مطرح گشت.

نکته‌ی دوم. در چنین طرح‌هایی که نیاز به فازبندی دارند، تجربه نشان داده است که تفکیک فازها به پروژه‌های کوچک کارآمدی بیشتری دارد. به عنوان مثال اگر در طرح اصلی، راه‌اندازی یک کتابخانه‌ی تخصصی یهود دیده شده باشد، می‌توان بخشی از کار را که جمع‌آوری کتب زبان فارسی است به صورت پروژه‌ی مستقلی در نظر گرفت و بدون نیاز به طرح نام اصلی، شخص یا گروهی را مأمور جمع‌آوری کتاب‌های فارسی و ایرانی چاپ شده پیرامون موضوع یهود نمود. ضرورتی هم ندارد که این گروه چیزی در مورد طرح اصلی بدانند!

نکته‌ی سوم. ضمناً در اموری که نیاز به بانی خاص و سرمایه‌گذار دارند، روش طرح شده بسیار نیکو پاسخ می‌دهد. چرا که بانی تنها برای آنچه که خود نیاز دارد و می‌خواهد پول و مقدرات در اختیار می‌گذارد! تنها زمانی می‌توانیم با هم کار کنیم که در آن پروژه منافع مشترک داشته باشیم. برای ایجاد منافع مشترک ناچار خواهیم بود پروژه‌ی اصلی خود را تجزیه کرده و بخشی را با او به اشتراک گذاریم، آن بخشی را که مد نظر اوست. البته شاید ناگزیر باشیم اصل طرح را از او پنهان نماییم! دوستی شرکتی تأسیس کرده بود و بعد از مدتی شروع به بستن قراردادهای کوچکی با شرکت‌های دیگر نمود، می‌گفت «آمدم کوهی را بکنم، دیدم تنها نمی‌توانم، شرکت‌هایی را پیدا می‌کنم و هر بخش از این کوه را به همکاری یکی از آنها می‌کنم، به زودی کوه تماماً کنده خواهد شد!».

◀ نکته‌ی چهارم. حالا باید ببینیم آیا می‌توانیم مآخذشناسی کتب در دسترس یهود و ارایه‌ی آن بر روی دیسک فشرده (سی‌دی) را جزیی از طرح میهود ببینیم و آن را نخستین فاز از این پروژه‌ی بزرگ تصور نماییم؟! راه حلی برای حصول این مطلب می‌جوییم.

◀ نکته‌ی پنجم. ساختار اصلی پیشنهادی طرح میهود شامل سه بخش بود: ۱. مآخذ مکتوب ۲. مآخذ الکترونیکی و ۳. مآخذ شفاهی. شکل آن تقریباً چنین چیزی است:



اگر بخواهیم طرح پیشنهادی را در میهود ببینیم باید جایگاه متناسب آن را در میهود بیابیم!

◀ نکته‌ی ششم. واضح است که فعالیت اول از بخش «مآخذ مکتوب» در ارتباط مستقیم با این طرح پیشنهادی است. بدین‌گونه که کتاب‌شناسی لازم برای دیسک فشرده بخشی از همان کاری است که باید در میهود انجام گیرد. البته ممکن است بعضی کتاب‌ها شناسایی شود که صلاح نبینیم در دیسک فشرده ارایه نماییم!

◀ نکته‌ی هفتم. «کتاب‌داری» نیز در این طرح پیشنهادی جای می‌گیرد. چرا که برای قرار دادن متن کتاب‌های شناسایی شده بر روی سی‌دی ناگزیر به تهیه‌ی کتاب و تایپ آن می‌باشیم. از این رو بخشی از کتابخانه‌ی میهود نیز راه‌اندازی خواهد شد!

◀ نکته‌ی هشتم. اما نسبت به «فیش‌نویسی» طبیعتاً در سی‌دی جایی برای آن در نظر گرفته نشده است. ولی مقدمات آن باز هم قابل حصول است. اگر ما متن کامل کتاب‌ها را در سی‌دی داشته باشیم، که بناسبت در طرح پیشنهادی مهیا شود، فیش‌نویسی در میهود بسیار آسان‌تر خواهد شد. با نوشتن یک برنامه‌ی رایانه‌ای و در اختیار محقق گذاشتن، او می‌تواند عبارات و واژگان مورد نیاز خود را جستجو کرده و فیش‌های مورد نیازش را تهیه نماید!

◀ نکته‌ی نهم. یعنی اگر دقت داشته باشیم که چه کنیم و در رفتار خود برنامه‌ریزی را از ابتدا تا انتها در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم به همین سادگی با تولید یک دیسک فشرده‌ی اطلاعاتی که حاج‌آقا خواسته است، بودجه‌ی بخشی از میهود را در اختیار داشته باشیم و عملاً کار را نیز پیش برده باشیم.

◀ نکته‌ی آخر. بنده کاملاً با طرح سیدی موافق هستم و جهت پی‌گیری کار نیز آقای مصطفی‌لو را – در این فعالیت – شایسته می‌بینم. به جهت آن که مشابه این نوع پروژه‌ها را در پارسا زیاد تجربه کرده است. ابتدا کتاب‌ها شناسایی می‌شود و در مرحله‌ی بعد تلاش می‌شود دیسکت متن آن‌ها از ناشرین اکتیاع گردد که اگر ممکن نشد هزینه‌ی تایپ پرداخت می‌گردد و از نو کتاب حروفچینی می‌شود. نوشتن نرم‌افزار لازم برای سیدی نیز در کمتر از دو ماه از طریق شرکت‌های کامپیوتری همین شهر قم صورت می‌گیرد. با انتشار این سیدی ما طرح میهود را عملاً آغاز کرده‌ایم.

التماس دعا ✨

کاربرگ الف ۱

ورود اطلاعات میهود

نوع منبع:

مقاله ☐

کتاب ☐

کد کاربرگ:

عنوان:

.....

نشانی منبع:

.....

تاریخ:

..... ☐

صفحات:

☐

کد زبان:

☐

کد موضوعات:

☐ ☐ ☐ ☐ ☐

محل نشر:

.....

ناشر:

.....

قیمت:

..... ☐

پدیدآورنده:

.....

خلاصه:

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

کد فیش بردار:

☐

تاریخ و ساعت فیش برداری:

..... : ☐

تأیید ناظر مسؤول:

☐

به نام خدا

راهنمای تکمیل کاربرگ الف ۱

۱. کد کاربرگ توسط تایپیست و پس از ورود اطلاعات به شبکه ثبت می‌گردد.
۲. نوع تاریخ در مربع مربوطه با حروف اختصاری (ق) برای «قمری»، (ش) برای «شمسی» و (م) برای «میلادی» مشخص می‌گردد.
۳. تعداد صفحات در مربع در نظر گرفته شده ثبت می‌شود.
۴. برای ثبت زبان فیش، از کدهای (۱) برای «فارسی»، (۲) برای «عربی» و (۳) برای «انگلیسی» استفاده شده و در صورت اضافه شدن زبان جدید، کد جدید به آن ضمیمه می‌گردد.
۵. کد موضوعات مرتبط با فیش از لیست موضوعاتی که جداگانه منتشر شده، انتخاب گردیده و در محل مربوطه نوشته می‌شود. حداکثر تا پنج موضوع برای هر فیش در نظر گرفته شده است. در نوشتن کدها باید دقت شود که نادرست وارد شبکه نگردد.
۶. واحد پولی که قیمت منبع بر اساس آن ثبت می‌شود در مربع کنار آن نوشته می‌شود.
۷. پس از وارد شدن متن خلاصه‌ی منبع، با توجه به این‌که لزوماً کلیدواژه‌ها باید در خلاصه اخذ شده و به کار گرفته شده باشند، زیر کلمات کلیدی خطی کشیده می‌شود که در هنگام ورود به شبکه به عنوان کلیدواژه شناخته خواهند شد.
۸. ناظر مسؤول ضمن نوشتن نظر خود، در صورتی‌که در مربع مربوطه علامت «تیک» قرار دهد، به معنای موافقت با ورود فیش به شبکه است و اگر علامت «ضربدر» بگذارد، فیش نیاز به اصلاح خواهد داشت.
۹. کد فیش‌بردار کدی است که برای هر کدام از محققین در نظر گرفته شده است تا هویت فیش‌نویس معلوم گردد.
۱۰. در بخش نوع منبع، فضایی قرار داده شده که در آینده بتوان انواع دیگری از منابع را نیز اضافه نمود.
۱۱. اگر تعداد پدیدآورندگان زیاد بود، در کنار هم نوشته شده و با خط فاصله تفکیک می‌شوند. اگر پدیدآورنده مشخص نبود، نام مؤسسه‌ی تولیدکننده‌ی اطلاعات به طور کامل ثبت می‌گردد.